

نقد و بررسی دیوان اشعار رودکی

سهیل یاری گل‌دَره

(رودکی، ۱۳۸۳: ۶). پس از این، تمام آثاری که در این باره منتشر شده - خواه ناخواه - از همین دو کتاب بهره‌های فراوان برده‌اند؛ مانند دو اثر ذیل:

- دیوان شعر رودکی، پژوهش، تصحیح و شرح دکتر جعفر شعار: اساس این تصحیح همان پژوهش استاد نفیسی است، البته با تغییراتی در ساختار ارائه مطالب و نیز همان‌طور که خود ایشان نوشته است (رودکی، ۱۳۸۲: ۸)، افزودن اشعار نویافته رودکی به کمک مقاله دکتر علی‌اشرف صادقی. ناگفته نماند که در این کتاب، بخشی از اشعاری را که به نام دیگران و هم رودکی ثبت شده، آمده است که در تحقیقات بعدی مشاهده نمی‌شود و این مسئله یکی از امتیازهای این چاپ به‌شمار می‌آید.

- دیوان رودکی، شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه: این اثر نیز در اساس همان کار استاد نفیسی است به‌همراه شرح و توضیحاتی درباره لغات و ابیات بدون تحقیق درباره اسناد اشعار رودکی (رک: رودکی، ۱۳۸۳: ۶).

این تحقیقات - با وجود تمام ارزش‌ها و فوایدشان - از اغلاط و نواقصی پیراسته نیستند (دیگران کم و بیش به این نکات اشاراتی کرده‌اند). به‌علت همین کاستی‌ها و نیز یافته شدن منابع دیگری از سروده‌هایی رودکی، برخی محققان درصدد تدوین مجدد اشعار رودکی برآمدند؛ از جمله آنان جناب آقای دکتر نصرالله امامی است که ضمن استفاده از تحقیقات مُمْتَع استاد نفیسی و تلاش‌ها و یافته‌های شخص ایشان، مجدداً «دیوان اشعار رودکی» را بسامان کرده و به‌انصاف در حد توان خویش از عهده کار به‌نیکی بیرون آمده‌اند. ایشان ضمن متذکر شدن کاستی‌های کار استاد نفیسی و تلاش در جهت مرتفع کردن آن‌ها، با توجه به یافته‌های جدید، مطالب نو دیگری را وارد دیوان رودکی کرده‌اند که ستودنی است؛ اما در این کار نیز اشتباهات و کاستی‌هایی دیده می‌شود که در صورت برطرف شدنشان، بر غنای کتاب افزوده خواهد شد. نگارنده این سطور به‌سبب علاقه‌ای که به رودکی داشته و دارد، اندک مطالعاتی درباره منابع اشعار وی و... انجام داده که حاصل آن پی بردن به چند نکته بوده است که در ذیل خواهد آمد و امیدوار است که در صورت صلاح‌دید جناب استاد امامی در چاپ بعدی کتاب مورد توجه قرار بگیرد^۲ و اینک آن نکات و یافته‌ها:

متأسفانه اغلاطی مطبعی در این چاپ دیده می‌شود که شایسته است در ویرایش پسین اصلاح شوند. برای نمونه برخی

یکی از حسرت‌های بزرگ فرهنگی ایرانیان و دوستداران زبان و ادب پارسی، بی‌شک، از میان رفتن دیوان بسیاری از شعرای پیشین آن‌ها است؛ دیوان شاعران برجسته‌ای چون کسایی، مُنجیک و... استاد عجم رودکی (متوفی ۳۲۹ ق) را نیز باید در زمره این شاعران به‌شمار آورد. مقدار سروده‌های این شاعر «تیره چشم روشن‌بین» بنابر نقل گذشتگان، حداقل صد هزار بیت بوده است. اسدی طوسی در قصیده‌ای که در تفضیل عجم بر عرب سروده، می‌گوید:

شاعر چو گزین رودکی آن کُش بود ابیات

بیش از صد و هشتاد هزار از در دیوان^۱
(مینوی، ۱۳۵۴: ۱۳۸)

با این نمونه که عوفی درباره فراوانی اشعار رودکی نقل کرده است: «چنین گویند - والْهَده علی الزَّراوی - که اشعار او صد دفتر برآمده است و قلائد قصائد او مشحون است به فرائد فواید و مصداق آن سخن، رشیدی گفته است:

گر سری باید به عالم کس به نیکو شاعری

شعر او را بر شمردم سیزده ره صد هزار!

رودکی را بر سر آن شاعران زبید سری

هم فزون آید اگر چنان‌که باید بشمری»

(عوفی، ۱۳۸۵: ۳۸۹/۱)

دردا و درینا که از آن تعداد سروده امروزه اندکی به‌جای مانده (کمتر از هزار بیت) که البته همین مقدار هم غنیمی است که از راه فرهنگ‌های لغات و تذکره‌ها و کتاب‌هایی چون ترجمان‌البلاغه، حقائق‌السحر، المعجم شمس قیس رازی و... برای ما نگه داشته شده است. به‌گمان نگارنده می‌رسد که متأسفانه دیوان کبیر رودکی در همان سده پنجم و ششم از میان رفته باشد؛ یکی از دلایلی که شاید درستی این مدعا را تأیید کند این است که در سفینه‌ها و جُنگ‌هایی که از سده هفتم به بعد نگاشته شده‌اند، به‌ندرت به اشعاری از رودکی با تصریح نام او برمی‌خوریم.

در ایران نخستین بار استاد روان‌شاد سعید نفیسی به گردآوری اشعار پراکنده رودکی پرداخت. وی با تتبعی وسیع از منابع بسیاری، سروده‌های منسوب به رودکی را در کتاب ارزشمندی با عنوان محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی (که چاپ اول آن در سال ۱۳۰۹ شمسی به طبع رسید) تدوین نمود. سپس در سال ۱۹۵۸ میلادی کتابی در تاجیکستان توسط عبدالغنی میرزایف منتشر شد. در پایان این کتاب، مجموعه اشعار به‌دست‌آمده رودکی که زیر نظر د. براگینسکی جمع‌آوری شده، الحاق گردیده است



* چاپ دوم، ۱۳۸۷، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
* ۱۶۰ صفحه، وزیری (شومیز)، ۲۰۰۰ نسخه، ۲۸۰۰۰ ریال

از آن موارد را در اینجا ذکر می‌کنیم:

- افتادن یک «را» از پایان بیت دوم شماره ۸، صفحه ۱۵
- به جای «کمان» در بیت دوم شماره ۳۴، صفحه ۲۴ «کمال» آمده است
- در پارورقی شماره ۲ صفحه ۲۵، آمده است که: «نزهت نامه»
- علایی، تصحیح محمدامین ریاحی، که سهوی رخ داده است؛
- مصحح این کتاب فرهنگ جهانپور است و مرحوم ریاحی کتاب
نزهةالمجالس را تصحیح کرده‌اند.
- در بیت ششم از قطعه ۳۷ صفحه ۲۶ در قافیه، به جای «زار و
نزند»، «مالا مال» (!) طبع شده است.
- در صفحه ۳۷ در پارورقی نخست به جای «نرسید»، «رسید»
چاپ شده است.
- در بیت چهارم از قصیده شماره ۴۳ صفحه ۲۸ به جای «بود»،
«را» آمده است.

- صفحه ۳۱، قطعه ۴۴ به جای «پود»، «دود» طبع شده است.
- در بیت اول صفحه ۴۰ به جای «بهره»، «بهره» آمده است.
- در بیت اول قطعه ۸۳ در قافیه به جای «خام»، «عام» ثبت شده است.
- به جای «اشعار»، در پارورقی صفحه ۱۰۴ «اسناد» آمده است.
- در بخش «کتاب نامه» نیز سهوها و کاستی‌هایی دیده می‌شود؛
مثلاً به جای «محدث»، «مدرس» آمده است، مؤسسه انتشاراتی
کتاب تحفةالملوک که میراث مکتوب است ذکر نشده، در صفحه
۱۶۰ به جای «رضوی»، «رضویف» آمده، به جای «اسدی»، «اسد»
ثبت شده و در صفحه ۱۶۰ به جای «مقدمه»، «مقدمی» آمده است.
- یکی از نکاتی که ضرورت دارد مصحح ارجمند در چاپ بعدی مورد توجه
قرار دهد، مقالاتی است که برخی از محققین درباره اشعار نویافته رودکی
نوشته‌اند که در این چاپ دیده نمی‌شود؛ برای نمونه، استاد علی‌اشرف
صادقی در مقاله‌ای با عنوان «اشعار تازه رودکی» (صادقی، ۱۳۷۲: ۲۳۰-۲۳۸)
حدود ۵۳ بیت نویافته دیگر از رودکی را ارائه داده‌اند که بسیار ارزشمند است
و می‌زید که به دیوان شاعر افزوده شود و یا سه بیت تازه‌ای که جناب
آقای حسن انصاری در امالی ابوسعید سمان از متکلمان معتزلی - زیدی
نیمه اول قرن پنجم هجری یافته و در سایت مجلس منتشر کرده‌اند (رک:

صادقی، ۱۳۸۱: ۱۶-۱۸).

- بیت ذیل در فرهنگ اسدی در مدخل «چرخشت» به نام
«رودکی» دیده می‌شود؛ اما در دیوان رودکی چاپ استاد امامی
نیامده است:

این کار نه از بهر ستمکاران کردند

کانگور نه از بهر نبیدست به چرخشت

(اسدی، ۱۳۱۹: ۴۷)

البته بیت مذکور در ضمن سروده‌ای پنج‌بیتی به نام ناصر خسرو
آمده است:

چون تیغ به‌دست آری مردم نتوان کُشت

نزدیک خداوند بدی نیست فرامُشت

این تیغ نه از بهر ستم‌کاران کردند؟

کانگور نه از بهر نبیدست به چرخشت؟

عیسی به رهی دید یکی کشته فتاده

حیران شد و بگرفت به دندان سر انگشت

گفتا که کرا کشتی تا کشته شدی زار

تا باز که او را بکشد آن که تو را کشت

انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس

تا کس نکند رنجه به در کوفتن مشت^۲

(ناصر خسرو، ۱۳۰۴-۱۳۰۷: ۵۰۰)

و اما موارد دیگر:

- ص ۱۴، شماره ۳:

اثر میر نخواهم که بماند به جهان

میر خواهم که بماند به جهان در اثرا

این بیت در حقائق‌السحر درباب «استدراک» بدون تصریح

به نام شاعر آمده است (وطواط، ۱۳۶۲: ۸۰).

- ص ۱۵، شماره ۸:

به نام نیک تو خواجه فریفته نشوم

که نام نیک تو دام است و زرق مر نان را

(۲ بیت)

این ابیات به نقل از محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی (ص ۴۹۲)

و در آنجا به نقل از نصیحة الملوك غزالی (ص ۸۴) ذکر شده‌اند. البته در کتاب مذکور این دو بیت بدون نام گوینده آمده است (غزالی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). در چند مورد دیگر هم دکتر نصرالله امامی با تکیه بر سخنان استاد نفیسی سروده‌هایی را به نام رودکی در دیوان آورده است؛ حال آنکه در آن منابعی که آن اشعار از آن‌ها نقل شده، تصریح نکرده‌اند که آن ابیات به نام رودکی است و تنها براساس پاره‌ای همانندی‌ها در طرز بیان و... آن‌ها را به نام رودکی ثبت کرده‌اند.

- ص ۱۶، شماره ۱۰:

با عاشقان نشین و همه عاشقی گزین

با هر که نیست عاشق کم کن قرینیا

این بیت و بیت سوم از همین سروده در نسخه مورخ ۶۸۴ مرصاد/العباد بدون نام شاعر آمده است، شادروان استاد ریاحی در تعلیقات متذکر شده‌اند که در هفت/اقلیم به نام بوسعید آمده است (ریاحی، ۱۳۷۹: ۵۰۸؛ نیز رک: محمد بن منور، ۱۳۶۷: ۷۸۷/۲).

- ص ۱۶، شماره ۱۱:

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب

با صدهزار نزهت و آرایش عجیب

این قصیده از مونس/الاحرار جاجرمی نقل شده است. می‌افزاییم که ابیات نخست و هفتم به نام «رودکی» در جنگ اسکندرمیرزا (برگ ۲۱) آمده است.

- ص ۱۸، شماره ۱۳:

رودکی چنگ برگرفت و نواخت

باده انداز کو سرود انداخت

بیت دوم و چهارم این سروده در تذکرة بختانه تألیف مازندرانی (برگ ۶۳) نیز به نام رودکی آمده است.

- ص ۱۸، شماره ۱۲:

گل صدر برگ و مشک و عنبر و سیب

یاسمین سپید و مورد بزیب

مصحح در پاورقی درباره این قطعه نوشته‌اند که: «دو بیت اول آن را در المعجم/۲۵۵ می‌توان یافت»، البته در المعجم پس از بیت دوم، بیت سوم هم آمده است! (رازی، ۱۳۸۷: ۲۵۵).

- ص ۱۹، قطعه ۱۶:

زمانه پندی آزادوار داد مرا

زمانه را چو نکو بنگری همه پند است

(بیت ۳)

همین بیت با همین ضبط تنها با این تفاوت که به جای «آزادوار»، «آزاده‌وار» است، در تفسیر روض الجنان ابوالفتوح رازی دیده می‌شود. بیت اول در دیوان با اختلاف در ضبط مصراع نخست آمده، اما بیت دوم نویافته است و می‌باید به این قطعه افزوده شود. دو بیت مذکور چنین است:

زبان ببند مرا گفت و چشم دل بگشای

که را زبان نه به بند است پای با بند است

بدان کسی که فزون از تو، آرزو چه کنی

بدان نگر که به حال تو آرزومند است

(رازی، ۱۴۰۸: ۱۹۹/۱۱؛ ارشادسرابی، ۱۳۷۰: ۱۴۶-۱۵۳)

- ص ۲۰، شماره ۲۰:

بر کشتی عمر تکیه کم کن

کاین نیل نشیمن نهنگ است

(بیت ۳)

بیت مذکور، آخرین بیت از سروده‌ای است که ظاهراً سه بیت از آن وجود دارد. همین بیت را در قصیده‌ای از انوری می‌بینیم (انوری، ۱۳۷۶: ۷۳/۱). آیا انوری از رودکی تضمین کرده است؟ یا اساساً از اوست؟ بر نگارنده که مشخص نشد «و فوق کل ذی علم علیم».

- ص ۲۵، شماره ۳۶:

دیر زیاد آن بزرگوار خداوند

جان گرامی به جانش اندر پیوند

مصحح ارجمند در پاورقی درباره این سروده چنین نوشته‌اند: «استاد سعید نفیسی این سروده را پیش‌ترها برحسب شباهت احتمالاً از رودکی دانسته بود... ولی در نزهت‌نامه علایی از ابوالمعالی نحاس^۲ دانسته شده است.» می‌افزاییم که چهار بیت نخست این سروده در المعجم بدون تصریح به نام گوینده آمده است (رازی، ۱۳۸۷: ۲۸۷).

- ص ۳۷، شماره ۶۳:

وقت شبگیر بانگ ناله زیر

.....

(بیت ۷)

مصحح در پاورقی چنین نوشته‌اند: «این سروده اگرچه در هیچ منبع معتبری به نظر [ن] آرسید؛ ولی سعید نفیسی آن را در محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی/۵۰۲... به نام این سراینده ثبت کرده‌اند.» می‌افزاییم که در رسائل اخوان/الصف این ابیات چنین دیده شد که البته همین ضبط‌ها موجه‌تر می‌نماید:

«قد أنشدت أبيات بالفارسية تدل على تصديق قول هذا الفيلسوف، و هي هذه:

وقت شبگیر بانگ ناله زیر

خوش‌تر آید به گوشم از تکبیر

زاری زیر و این مدار شگفت

گر ز دشت اندر آورد نخجیر

تن او تیر نه زمان به زمان

به دل اندر همی گذارد تیر

گاه گریان و گه بنالد زار

بامدادان و روز تا شبگیر

آن زبان‌آوری زبانش نه

خبر عاشقان کند تفسیر

گاه دیوانه را کند هشیار

گه به هشیار برنهد زنجیر»

(رسائل اخوان‌الصفاء، ۱۴۱۲: ۲۳۵/۱)

- ص ۳۷، قطعه ۶۵:

چاکرانت به گه رزم چو خیاطانند

گرچه خیاط نی‌اند ای ملک کشورگیر

(بیت ۲)

- ص ۵۱، شماره ۱۰۱:

هر آن که خاتم مدح تو کرد در انگشت

سر از دریچه زرین برون کند چو نگین
بیت مذکور در تاج‌المآثر نظامی (برگ‌های ۸۷ و ۲۹۴) بدون
نام گوینده دیده می‌شود. البته در مصراع دوم به جای «برون
کند»، «کند برون» ضبط شده است.

- ص ۵۳:

در پاورقی شماره ۷ مصحح دیوان قطران را حسین آهی
نوشته‌اند که البته چنین نیست و این اثر به کوشش مرحوم
نخجوانی به طبع رسیده است.

- ص ۵۴، شماره ۱۱۲:

بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی

و یا چون برکشیده تبغ پیش آفتابستی
(۵ بیت)

این ابیات به نقل از مجمع‌الفصحی و تذکرة‌آتشکده از رودکی
دانسته‌اند. می‌افزاییم که در منبع معتبری چون المعجم بیت اول
این سروده به نام «معزی» آمده (رازی، ۱۳۸۷: ۳۴۶؛ رک: معزی،
۱۳۸۹: ۸۲۶) و در حداثق‌السحر این بیت اول با عنوان «شاعر
پارسی گوید» ثبت شده است (وطواط، ۱۳۶۲: ۴۴)، در معیار‌الشعار
(طوسی، ۱۳۸۹: ۵۶) نیز تنها مصراع اول، بدون نام گوینده دیده
می‌شود.

- ص ۶۰، شماره ۶:

چشمم ز غمت به هر عقیقی که بسفت

بر چهره هزار گل ز رازم بشکفت
(رباعی)

در ۸ نسخه از دیوان‌انوری که در اختیار استاد مدرس رضوی
بوده، این رباعی آمده است (انوری، ۱۳۷۶: ۹۶۴/۲).

- ص ۶۰، شماره ۱۰:

چون روز علم زند به نامت ماند

چون یک‌شبه شد ماه به جامت ماند
(رباعی)

در دیوان‌انوری این رباعی دیده می‌شود (انوری، ۱۳۷۶: ۹۸۰/۲).

- ص ۶۰، شماره ۱۱:

جز حادثه هرگز طلبم کس نکند

یک پرسش گرم جز تبم کس نکند
(رباعی)

این رباعی در سفینه‌ارزشمند روضة‌الناظر تألیف عبدالعزیز
بن ابی‌الغنائم کاشانی در سده هشتم (برگ ۱۸۱) به نام «کمال»
آمده است که احتمالاً منظور کمال‌الدین اسماعیل (شاعر شهیر
و بزرگ سده ششم و هفتم) باشد. همچنین در مجموعه اشعار و
مراسلات (برگ ۱۱۸) بدون نام گوینده مشاهده می‌شود.

- ص ۶۲، شماره ۲۲:

در پیش خود آن نامه چو بُلکامه نهم

پروین ز سرشک دیده بر جامه نهم
(رباعی)

این بیت و بیت بعد آن با اندک اختلافی در تاج‌المآثر نظامی
(برگ ۶۶) بدون ذکر نام گوینده آمده است.

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که عمادالدین اصفهانی
(متوفی ۵۹۷ ق) در کتاب معروف و معتبرش خریة‌القصر و
جریة‌العصر درباره ضیاء راونی (درگذشته بعد از ۵۴۸ ق) می‌نویسد:
«قد عَرَبَ مَعْنَى فارسیة من قصيدة النحاس:
عبیدک أصبحوا يوم القتال

کخیاطین فی شبه المثل

بذرعان القنا ذرعوا و قَطَّوا

بأنصلهم و خاطوا بالنبال»

(عمادالدین اصفهانی، ۱۳۷۵: ۷۲/۹)

که بی‌شک منظورش همین دو بیت است:

چاکران تو که رزم خیاطانند

گرچه خیاط نی‌اند ای ملک کشورگیر

با گز نیزه قد خصم تو می‌پیمایند

تا بَرزند به شمشیر و بدوزند به تیر

- ص ۴۲، شماره ۸۰:

کسان که تلخی زهر طلب نمی‌دانند

تُرّش شوند و بتابند رو ز اهل سؤال

تو را که می‌شنوی طاقت شنیدن نیست

مرا که می‌طلبم خود چگونه باشد حال

(۳ بیت)

این دو بیت در مواظ سعدی به این شکل دیده می‌شود:

کسان که تلخی حاجت نیازمودستند

تُرّش کنند و بتابند روی از اهل سؤال

تو را که می‌شنوی طاقت شنیدن نیست

قیاس کن که در او خود چگونه باشد حال

(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۰۹۰)

- ص ۴۳:

در پاورقی شماره ۴ نوشته‌اند: «دیوان رودکی تصحیح ناصرالدین
شاه‌حسینی» که البته سهوی رخ داده است و می‌باید دیوان سوزنی باشد.

- ص ۵۱، شماره ۱۰۰:

تیزی شمشیر دارد و روش مار

کالبد عاشقان و گونه غمگین

این بیت بدون نام گوینده در منبعی بسیار کهن یعنی
ترجمان‌البلاغه^۵ رادویانی در فصل «فی الترجمة» چنین آمده است:
«یُحْتَرَى گوید اندر صفت قلم (طویل):
له حدٌ مصمامٌ و مشیة حیة

ترجمه (منسرح):

تیزی شمشیر دارد و روش مار

کالبد عاشقان و گونه بیمار»

(رادویانی، ۱۳۸۰: ۲۰۱)

این بیت در تاج‌المآثر نظامی (برگ‌های ۸۷ و ۲۹۴) بدون نام
گوینده آمده است.

این رباعی در دیوان مسعود سعد نیز آمده است (مسعود سعد، ۱۳۹۰: ۸۰۹).

- ص ۶۴، شماره ۳۸:

آن خر پدرت به دشت خاشاک زدی

مامات دف و دورویه چالاک زدی

(رباعی)

«دف و دورویه» غلط و درست آن «دف دورویه» است. استاد ریاحی در تعلیقات مرصادالعباد همین بیت رودکی را آورده و نوشته‌اند: «در احوال و اشعار رودکی... به غلط دف و دورویه آمده است» (رازی، ۱۳۷۹: ۵۹۰).

- ص ۶۴، شماره ۳۹:

دل سیر نگرددت ز بیدادگری

چشم آب نگرددت چو در من نگری

(رباعی)

این رباعی در دیوان انوری نیز دیده می‌شود (انوری، ۱۳۷۶: ۱۰۳۴/۲).

- ص ۷۱، شماره ۳۴:

با دل پاک مرا جامه ناپاک رواست

بد مر آن را که دل [و] دیده پلید است و پلشت

استاد امامی در پاورقی درباره این بیت چنین نوشته‌اند: «استاد نفیسی این بیت را به نقل از فرهنگ اسدی آورده است؛ ولی در فرهنگ اسدی چاپ تهران ۱۳۶۵ دیده نشد.» بایسته گفتن است که این بیت در لغت فرس چاپ استاد عباس اقبال در مدخل «پلشت» به نام «کسایی» آمده است (اسدی، ۱۳۱۹: ۳۷). البته در لغت فرس چاپ استادان صادقی و مجتبیایی و نیز فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار (۱۳۸۰: ۴۰) دو بیت زیر به کسایی منسوب است:

باد و گردم نکرد زشتی هیچ

با دل من چرا شد ایدون زشت

زانکه خویی پلید کرد مرا

هر که را خوی پلید هست پلشت

- ص ۸۳، شماره ۸۳:

بسی خسرو نامور پیش ازین

شدستند زی ساری و ساریان

(تکبیت)

این بیت را به نقل از استاد نفیسی در دیوان آورده‌اند (استاد نفیسی هم با توجه به مجمع‌الفرس سروری بیت را از رودکی دانسته است). البته همین بیت را در برخی فرهنگ‌ها به نام «دیباچی سمرقندی» نیز ثبت کرده‌اند (رک: مدبری، ۱۳۷۰: ۵۸۱).

- ص ۹۶، شماره ۸:

شد به گرمابه درون استاد گوشت

بود فربی و کلان و خوب گوشت

این بیت در مجمع‌الفرس (کاشانی، ۱۳۳۸: ۹۲۲/۳) نیز به نام رودکی آمده است. دکتر امامی از این فرهنگ بهره نبرده‌اند که می‌زبید در طبع بعدی کتاب از آن استفاده کنند.

- ص ۱۲۴، قطعه ۹:
سر سرو قدش شد باژگونه

دو تا شد پشت او همچون درونه

این بیت که از فرهنگ جهانگیری به نام رودکی ثبت شده است، ظاهراً از فخرالدین اسعد گرگانی باشد (رک: گرگانی، ۱۳۸۱: ۳۶۹؛ همو، ۱۳۴۹: ۲۸۵). البته به جای «قدش»، «سهی» آمده است.

- ص ۱۴۳:

در توضیح واژه «مشهر» در بیت ذیل از صفحه ۷۵:

از جود قبا داری پوشیده مشهر

وز مجد بنا داری بر برده مشید

چنین نوشته‌اند: «مشهور، واضح و آشکار». اما بهتر این است که بنابر توضیح استاد احمد آتش به نقل از دُزی (Dozy) چنین معنا شود: «(لباسی که) کناره آن با پارچه‌ای به رنگ دیگر حاشیه‌دوزی شود» (رادویانی، ۱۳۸۰: ۸۰).

پی‌نوشت

۱. از استاد فاضلم جناب آقای دکتر علی محمدی - که از عشاق سروده‌های رودکی هستند - سپاسگزارم که نخستین بار ایشان مرا متوجه این بیت کرد. به پاس قدردانی، زینده می‌دانم که نوشته حاضر را به ایشان پیشکش کنم.

۲. ناگفته نماند که کار دیگری نیز آقای قادر رستم درباره اشعار رودکی انجام داده است که البته بنده آن را ندیده‌ام؛ در این باره استاد حسن انوشه چنین گفته‌اند: «این کتاب آخرین کاری است که درباره اشعار رودکی شده است. قادر رستم ابیاتی را که خودش و یا دیگران پیدا کرده‌اند، به اشعار رودکی اضافه کرده است. وی همچنین کوشیده است برخی از چاپ‌های پیشین رودکی چون کار آقای سعید نفیسی و عبدالغنی میرزایی و دیگران را هم اصلاح کند. قادر رستم مقدمه خوبی بر این کتاب نوشته است. کتاب رودکی به زبان فارسی و به خط سیرلیک در تاجیکستان چاپ شده است. شخصی به نام شاه منصور که در اکو کار می‌کند، کتاب رودکی را به الفبای فارسی درآورده است، اما چون تاجیک‌ها با زبان فارسی و به‌ویژه خط فارسی آشنایی زیادی ندارند و برخی جاها ابهاماتی در کار شاه منصور وجود داشت، من برگردان ایشان را اصلاح کردم و توضیحاتی به آن افزودم و مؤسسه فرهنگی اکو آن را چاپ کرد. این اثر منقح‌ترین و پیراسته‌ترین اثری است که تا به حال از اشعار رودکی چاپ شده است.»

۳. یادآوری این نکته ضرورت دارد که بیت نخست و سوم و چهارم این سروده در نصیحةالملوک غزالی (متوفی ۵۰۵ ق) با عنوان «چنان‌که شاعر گوید» آمده است (غزالی، ۱۳۸۹: ۲۰۸). مرحوم علامه مینوی در پاورقی همان صفحه از دیوان ناصر خسرو نوشته‌اند که: «سید جعفر بن سید محمد العلوی متوفی به سال ۱۱۸۲ در کتاب مواسم‌الدب و آثارالعجم و العرب آورده است (ج ۱ ص ۲۰۱): «و من احسن ما قيل: رأى عيسى قتيلا فى طريق/ فعض على أنامله طويلا...» و سپس نوشته‌اند که: «و این ابیات عربی با مضمون آن دو بیت فارسی چنان شبیه است که می‌توان

- صادقی، علی اشرف، ۱۳۷۲، «اشعار تازه رودکی»، نشر دانش. شماره ۷۶، صص ۲۳۰-۲۳۸.

- _____، ۱۳۸۱، «سه بیت تازه از رودکی»، نامه فرهنگستان. شماره ۲۰، صص ۱۶-۱۸.

- طوسی، خواجه نصیر، ۱۳۹۰، معیار/الاشعار و میزان/الافکار فی شرح معیار/الافکار. تصحیح محمد فشارکی. تهران: میراث مکتوب.

- عمادالدین اصفهانی کاتب، ۱۳۷۵ ق، خریدة القصر و جريدة العصر. تصحیح محمد بهجة الأثری و جمیل سعد. بغداد: مطبوعات الجمع العلمی العراقی.

- عوفی، محمد، ۱۳۸۵، لباب/الالباب، به تصحیح ادوارد براون، با تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی. تهران: هرمس.

- غزالی، محمد، ۱۳۸۹، نصیحة الملوك. به کوشش قوام‌الدین طه. تهران: جامی.

- فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار (منسوب به قطران)، ۱۳۸۰، تصحیح علی اشرف صادقی. تهران: سخن.

- کاشانی، محمد قاسم (مشهور به سروری)، ۱۳۳۸، مجمع‌الفرس. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: علمی.

- کاشی، عبدالعزیز، روضة الناظر و نزهة الخاطر، دست‌نویس شماره ۷۶۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، سده هشتم ق، ۳۰۴ برگ، شماره ۲۴۷ کتابخانه دانشگاه تهران.

- گرگانی، فخرالدین اسعد، ۱۳۸۱، ویس و رامین. تصحیح محمد روشن. چاپ دوم، تهران: صدای معاصر.

- _____، ۱۳۴۹، ویس و رامین. به تصحیح ماگالی تو دوا و الکساندر گواخاریا. تهران: بنیاد فرهنگ.

- مازندرانی، محمد صوفی، تذکره بختانه. شماره ۴۵۳۵ کتابخانه مجلس، کتابت در قرن یازدهم.

- مجموعه اشعار و مراسلات. دست‌نویس شماره ۴۸۷ ر کتابخانه لالا اسماعیل، ۷۴۱-۷۴۲ ق، ۲۸۳ برگ، فیلم شماره ۵۷۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

- محمد بن منور، ۱۳۶۷، اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی.

- چاپ دوم، تهران: آگاه.

- مدبری، محمود، ۱۳۷۰، شاعران بی‌دیوان. تهران: پانوس.

- معزی، محمد، ۱۳۸۹، دیوان معزی. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. چاپ اول، تهران: اساطیر.

- مینوی، مجتبی، ۱۳۵۴، فردوسی و شعراو. تهران: کتابفروشی دهخدا.

- ناصر خسرو قبادیانی، ۱۳۰۴-۱۳۰۷، دیوان ناصر خسرو. به اهتمام و تصحیح مجتبی مینوی (به همراه حواشی و ملاحظات میرزا علی اکبرخان دهخدا)، تهران: مطبعة مجلس.

- نظامی، محمد حسن. تاج‌المآثر. نسخه شماره ۱۴۰۲ کتابخانه فیض‌الله افندی ترکیه، مورخ ۶۹۴، میکروفیلم شماره ۱۶۹ در کتابخانه دانشگاه تهران.

- وطواط، رشیدالدین، ۱۳۶۲، حقائق السحر فی دقائق الشعر. تصحیح عباس اقبال. تهران: طهوری - سنایی.

گفت یکی ترجمه دیگری است» (ناصر خسرو، ۱۳۰۴-۱۳۰۸: ۵۰۰). می‌افزاییم که آن چند بیت عربی در منبع کهن‌تری یعنی همان نصیحة الملوك غزالی آمده است (رک: غزالی، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

۴. درباره اشعار پراکنده این «ابوالعالی نحاس» نگارنده تحقیقی انجام داده و امیدوار است که به‌زودی - ان شاء الله - آن را منتشر کند.

۵. از آنجا که نسخه به‌جای‌مانده از این علق نفیس در ۵۰۷ ق کتابت شده، شایسته است که در تحقیقات ادبی به‌ویژه به ضبط‌های آن توجه خاصی شود.

کتاب‌نامه

- ارشادسرابی، اصغر، ۱۳۷۰، «بیتی باز یافته از رودکی (در خلال تفسیر ابوالفتوح رازی)»، مشکوة، شماره ۳۱، صص ۱۴۶-۱۵۳.

- اسدی طوسی، علی بن احمد، ۱۳۱۹، لغت فرس. به تصحیح عباس اقبال. تهران: مطبعة مجلس.

- _____، ۱۳۶۵، لغت فرس. به تصحیح علی اشرف صادقی و فتح‌الله مجتبیایی. تهران: خوارزمی.

- انوری، محمد بن محمد، ۱۳۷۶، دیوان انوری. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.

- جنگ اسکندرمیرزا، دست‌نویس شماره Add-27261 موزه بریتانیا، به خط محمد حلوی و ناصر الکاتب، مورخ ۸۱۴-۸۱۳ ق، فیلم شماره ۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

- رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸، روض الجنان و روح الجنان. به تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.

- رازی، شمس قیس، ۱۳۸۷، المعجم فی معاییر اشعارالعجم. تصحیح محمد قزوینی و محمدتقی مدرس رضوی، تهران: زوار.

- رازی، نجم‌الدین، ۱۳۷۹، مرصادالعباد. تصحیح محمدامین ریاحی. چاپ هشتم، تهران: علمی و فرهنگی.

- رادویانی، محمد بن عمر، ۱۳۸۰، ترجمان‌البلاغه. تصحیح و حواشی و توضیحات احمد آتش. به کوشش و ترجمه توفیق سبحانی و اسماعیل حاکمی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- رسائل اخوان‌الصفاء، ۱۴۱۲ ق، الطبعة الأولى، بیروت: الدار الإسلامية.

- رودکی، جعفر بن محمد، ۱۳۸۷، دیوان اشعار. تصحیح، ویرایش و توضیح نصرالله امامی، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگ و تمدن ایران‌زمین.

- _____، ۱۳۸۲، دیوان شعر رودکی. پژوهش، تصحیح و شرح جعفر شعار. چاپ سوم، تهران: قطره.

- _____، ۱۳۸۳، دیوان رودکی. شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه. چاپ دوم، تهران: توس.

- سعد سلمان، مسعود، ۱۳۹۰، دیوان مسعود سعد. تصحیح محمد مهیار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- سعدی شیرازی، ۱۳۸۵، کلیات سعدی. به تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: هرمس.